

یادداشت



عباد اکبری

کارشناس مسائل بین الملل

سیاسی سازی آژانس و تقویت بازدارندگی ایران

تحرکات اخیر سه کشور اروپایی برای ارائه پیش نویس قطعنامه‌ای علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تصویری روشن از واقعیتی دیرینه در سیاست جهانی ارائه می‌دهد: نهادهای بین‌المللی در عمل نه ساختارهایی بی‌طرف، بلکه ابزارهایی در خدمت منافع قدرت‌های بزرگ هستند.

در فضایی آتارشیک که هیچ مرجع بالادستی وجود ندارد، دولت‌ها از همه ظرفیت‌ها برای افزایش قدرت نسبی خود بهره می‌گیرند. تحلیل رفتار اخیر اروپا نیز اگر در چهارچوب نتوواقع‌گرایانه باشد، قابل درک‌تر خواهد بود.

اروپا این بار نیز با ادبیاتی آشنا، خواستار دسترسی فوری و بدون محدودیت آژانس به برخی مراکز ایران شده است؛ درخواستی که به‌ظاهر رنگ فنی دارد، اما در عمل ماهیتی کاملاً سیاسی پیدا می‌کند.

تجربه دو دهه گذشته نشان داده هرگاه این کشورها به‌دنبال فشار بوده‌اند، آژانس به سکوی انتقال فشار بدل شده است. این همان چیزی است که آن را «ابزارسازی نهاده‌ها» می‌نامند: استفاده از ساختارهای بین‌المللی برای وادارسازی طرف مقابل به رفتار مطابق منافع خود، بدون آنکه هزینه یک رویارویی مستقیم را بپردازند.

از سوی ایران، واکنشی که دیده می‌شود افزایش احتیاط، محدودسازی دسترسی‌های غیرضروری و تأکید بر خطوط قرمز امنیتی، نه واکنشی غیرمنتظره بلکه پاسخی کاملاً منطقی است.

هر دولتی که اطلاعات حساسش بارها در عملیات خرابکارانه یا فشارهای سیاسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته باشد، در برابر درخواست‌های فنی فاقد تضمین، واکنشی محافظه‌کارانه نشان می‌دهد.

این دقیقاً همان منطق بازدارندگی در نتوواقع‌گرایی است: وقتی احتمال سوءاستفاده بالاست، هزینه اعتماد بالا می‌رود و رفتار دفاعی تقویت می‌شود. اما پرسش مهم‌تر این است که چرا اروپا به شرایط فعلی براین رویکرد اصرار دارد؟ پاسخ را باید در محیط راهبردی جدید اروپا جست‌وجو کرد.

پس از بحران اوکراین، اروپا بیش از هر زمان دیگری به آمریکا وابسته شده است؛ چه در حوزه امنیتی و چه در حوزه انرژی. این وابستگی باعث شده سیاست خارجی اروپا بیش از پیش در مدار ترجیحات واشنگتن چرخش کند.

اقدام اخیر نیز بخشی از همین روند است: تلاش اروپا برای نمایش نقش‌آفرینی در پرونده‌ای که سال‌هاست توان تأثیرگذاری واقعی خود را در آن از دست داده است.

به عبارت دیگر، اروپا با استفاده از آژانس می‌کوشد جایگاهی را احیا کند که خروج آمریکا از برجام از بین برد.

هدف این است که نشان دهد هنوز بازیگر مهم در پرونده ایران است، هرچند در واقعیت نه ابزار دارد و نه ظرفیت راهبردی لازم. این نوع اقدام، همان چیزی است که «نهانجایی بودن ناشی از معقف» توصیف می‌کنند: رفتاری که ظاهر سخت دارد اما ریشه در ناتوانی دارد، نه قدرت.

در چنین شرایطی، ایران ناگزیر از اتخاذ راهبردی متوازن است، ترکیبی از همکاری کافی برای جلوگیری از اجماع‌سازی و در عین حال، مراقبت سختگیرانه برای جلوگیری از تبدیل‌شدن آژانس به اهرم فشار اطلاعاتی. تجربه نشان داده هر عقب‌نشینی بی‌مبای فنی، به تشدید فشارها منجر می‌شود، نه کاهش آنها.

بنابراین بهترین سیاست، همکاری مدیریت‌شده است، نه همکاری نامحدود. اروپا نیز اگر به دنبال امنیت واقعی است، باید درک کند که فشار از مسیر آژانس نه‌تنها کارآمد نیست بلکه هزینه‌ساز است. این فشارها تنها به تقویت رفتارهای بازدارنده و کاهش همکاری ایران منجر می‌شود. در نهایت، اروپا با تضعیف اعتماد ایران به آژانس، قدرت نظارتی این نهاد را نیز تضعیف می‌کند و همان سازوکاری را که مدعی دفاع از آن است، فرسوده می‌سازد.

حقیقت این است که پرونده هسته‌ای ایران نه با قطعنامه‌های نمادین، بلکه با فهم درست منطق قدرت قابل مدیریت است. تا زمانی که اروپا حساسیت‌های امنیتی ایران را نادیده بگیرد و به فشار یک‌طرفه ادامه دهد، نه همکاری فنی پایدار خواهد بود و نه توافق سیاسی ممکن.

بهترین مسیر همان است که امروز تحلیل‌گران واقع‌گرای غربی نیز بر آن تأکید می‌کنند: احترام به توازن منافع، پرهیز از ابزارسازی نهاده‌ها و پذیرش این واقعیت که امنیت طرف مقابل بخشی از معادله امنیت شماست.

اگر اروپا به این درک برسد، آژانس می‌تواند بار دیگر نقش واقعی خود را بازی کند. اما اگر روند ایران ادامه یابد، نه تنها بی‌اعتمادی تعمیق می‌شود، بلکه اروپا نیز هرچه بیشتر از ابغای نقش سازنده‌ای که می‌تواند داشته باشد، فاصله می‌گیرد.



نخستین نشست شورای حکام پس از پایان موعد برجام از روز گذشته آغاز شد

آژانس همچنان برمدار سیاسی کاری

گزارش

اولین نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از پایان اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که ضمانت حقوقی برجام بود، روز گذشته آغاز شد. دستور کار این جلسه، در مورد ایران بررسی «توافق پادمانی ان‌پی‌تی با جمهوری اسلامی ایران» بود و نشان می‌دهد که آژانس اکنون تنها بر تعهدات ایران ذیل معاهده عدم اشاعه نظارت می‌کند. رافائل گروسی، در گزارش خود با اشاره به توافق قاهره با ایران، اعلام کرد که دسترسی بازرسان به اکثر تأسیسات آسیب‌دیده فراهم شده، اما اصرار او بر بازگرداندن کامل روند بازرسی‌ها آن هم در حالی که تأسیسات هسته‌ای نظنز، فردو و اصفهان پس از حملات ماه ژوئن آمریکا و اسرائیل آسیب جدی دیده‌اند، قابل تأمل است.

در مقابل ادعاهای زیاده‌خواهانه گروسی ایران استدلال می‌کند که حمله به تأسیسات هسته‌ای در حال فعالیت صلح‌آمیز اقدامی بی‌سابقه است و آژانس باید استثنایی بودن شرایط فعلی را درک کند و به فکر مدالیته جدید باشد. در حالی که اختلاف اصلی میان تهران و آژانس، شامل

بازرسی از تأسیسات آسیب‌دیده و تعیین وضعیت ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد است هم‌زمان کشورهای غربی با تدوین دستورالعمل‌های جدید در صدد اعمال فشار بیشتر علیه کشورمان هستند. آغاز شد. دستور کار این جلسه، در مورد ایران بررسی «توافق پادمانی ان‌پی‌تی با جمهوری اسلامی ایران» بود و نشان می‌دهد که آژانس اکنون تنها بر تعهدات ایران ذیل معاهده عدم اشاعه نظارت می‌کند. رافائل گروسی، در گزارش خود با اشاره به توافق قاهره با ایران، اعلام کرد که دسترسی بازرسان به اکثر تأسیسات آسیب‌دیده فراهم شده، اما اصرار او بر بازگرداندن کامل روند بازرسی‌ها آن هم در حالی که تأسیسات هسته‌ای نظنز، فردو و اصفهان پس از حملات ماه ژوئن آمریکا و اسرائیل آسیب جدی دیده‌اند، قابل تأمل است.

در مقابل ادعاهای زیاده‌خواهانه گروسی ایران استدلال می‌کند که حمله به تأسیسات هسته‌ای در حال فعالیت صلح‌آمیز اقدامی بی‌سابقه است و آژانس باید استثنایی بودن شرایط فعلی را درک کند و به فکر مدالیته جدید باشد. در حالی که اختلاف اصلی میان تهران و آژانس، شامل

تأیید گروسی بر همکاری ایران

«رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز دیرپور و در آغاز نشست فصلی شورای حکام، هنگام ارائه گزارش خود برنامه هسته‌ای ایران، بر همین موضوع تأکید کرد. او گفت که با پایان یافتن اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱، نظارت بر اجرای توافق هسته‌ای

قبول خواند و گفت: «ما باید غنی‌سازی خود را ادامه دهیم.

زیرا نیازمند تولید سوخت برای نیروگاه‌های خود و همچنین فعالیت‌های پزشکی خود هستیم.»

خرازی برنامه موشک‌های بالستیک ایران را غیرقابل مذاکره خواند و گفت: «تنها مسأله‌ای که ما آماده تعامل درباره آن با ایالات متحده و دیگران هستیم، مسأله هسته‌ای است. ما با دیگران در مورد سایر مسائل، از جمله فعالیت‌های موشکی خود، گفت‌وگو خواهیم کرد.»

او در مورد رویکرد ایران در قبال ترامپ هم افزود: «اگر رئیس جمهوری آمریکا رویکرد مثبتی را آغاز کند، قطعاً با برخورد متقابل ما روبه‌رو خواهد شد. برای این کار آنها باید از هرگونه توسل به زور علیه ایران خودداری کنند. آنها آن را قبلاً امتحان کرده‌اند و اکنون می‌دانند که زور کارگر نیست.»

خرازی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه آیا ایران در مورد برنامه موشکی با کشورهایمانند چین و روسیه همکاری

حملات آمریکا و اسرائیل، تأکید کرد: «تا زمانی که ایران عضو این معاهده است، باید به تعهدات خود پایبند باشد.» گروسی برای توضیح ضرورت این موضوع گفت: «تعیین وضعیت موجودی اورانیوم غنی‌شده با خلوص پایین و بالا در ایران نیازمند رسیدگی فوری است. دسترسی نداشتن آژانس به این مواد طی پنج ماه گذشته باعث شده راستی‌آزمایی آنها مطابق رویه معمول پادمان‌ها به تعویق بیفتند.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که تأسیسات هسته‌ای ایران در نظنز، فردو و اصفهان در اول تیرماه، بر اثر حملات نیروی هوایی آمریکا و با مشارکت رژیم اسرائیل، هدف بمب‌های سنگرشکن قرار گرفت و آسیب‌های جدی دید. همین شرایط مقامات کشورمان را بر آن داشته تا از وضعیت بی‌سابقه و استثنایی این تأسیسات سخن بگویند؛ تأسیساتی که در حال فعالیت صلح‌آمیز بودند اما هدف حمله نظامی قرار گرفتند.

با وجود این، گروسی روز گذشته در اظهاراتی تأمل‌برانگیز و بدون درنظر گرفتن ملاحظات فنی گفت: «در نظنز و اصفهان برخی تأسیسات به‌شدت آسیب‌دیده‌اند و برخی خراب و لازم است از این مکان‌ها بازید کنیم.» یکشنبه این هفته محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در نشست بین‌المللی



اختلاف اصلی میان ایران و آژانس حول دو موضوع بازرسی از تأسیسات آسیب‌دیده و تعیین وضعیت موجودی اورانیوم ۶۰۰ کیلوگرم است. این اختلاف نظر که تحت‌تأثیر رویکردهای سیاسی و یکجانبه‌گرایانه آژانس و نیز بی‌اعتمادی ایران نسبت به درز اطلاعات محرمانه هسته‌ای قرار دارد، روابط تهران و آژانس را در وضعیتی شکننده قرار داده است

وزارت امور خارجه با اشاره به سکوت و مسئولیت‌ناپذیری آژانس پس از حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای گفت که «آژانس باید بپذیرد که با توجه به شرایط جنگی و تهدیدهای فعال، وضعیت تغییر کرده و شرایط فعلی استثنایی و بی‌سابقه است. قانون مجلس نیز بر لزوم تأمین امنیت سایت‌ها و حفاظت از دانشمندان و کارکنان صنعت هسته‌ای تأکید دارد.» اسلامی ادامه داد: «آژانس باید یک مدالیته ویژه برای شرایط جنگی تدوین کند. تا زمانی که چنین مدالیته‌ای تصویب نشده و به رویه‌ای مشخص تبدیل نشود، تعهد ایران در چهارچوب پادمان اساسنامه‌ای تعریف می‌شود. آنچه آژانس در این چهارچوب موظف به نظارت بر آن است، ما نیز موظف به انجامش هستیم و اکنون هم انجام می‌دهیم؛ اما فراتر از آن، بدون تعیین این مدالیته، فشارهای سیاسی نتیجه‌ای نخواهد داشت.»

دستورالعمل جدید برای بازرسان

با وجود این هشدارها، سه مقام غربی هفته گذشته به خبرگزاری بلومبرگ گفته‌اند که کشورهای غربی قصد دارند در نشست شورای حکام دستورالعمل‌های جدیدی برای بازرسان آژانس درباره تعیین وضعیت ذخایر هسته‌ای ایران تدوین کنند. این موضوع

یادداشت توضیحی ایران در پی گزارش جدید گروسی

سیاسی کاری برخی کشورها باعث شده آژانس نتواند نقش حرفه‌ای و بی‌طرفانه خود را به‌درستی ایفا کند و برخی گزارش‌های آژانس برخلاف واقعیت‌های فنی و قانونی منتشر شود.»

در ادامه ایران تأکید دارد که «موضوعات پادمانی پیش از ۲۰۱۵ به‌طور کامل حل شده و هرگونه اشاره به آن فاقد مبای حقوقی است. همچنین، موضوعات پادمانی فعلی نیز تحت نظارت ایران و با رعایت به هیچ عنوان نقض معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و موافقت‌نامه پادمان جامع نیست و تأکید بر آن در گزارش مدیرکل، جنبه‌ای سیاسی دارد. نهایتاً اینکه تجاوز نظامی بی‌دلیل علیه ایران، شرایط را به‌طور چشمگیری تغییر داده و جنبه‌های متعدی، از جمله روش‌ها و رویه‌های اجرای موافقت‌نامه جامع پادمان را تحت تأثیر قرار داده است. با این حال، به‌طور تعجب‌آوری، مدیرکل این پادمانی در شرایطی که آژانس از نیز پیچیده ساخته است، محکوم نکرد.

در پی انتشار گزارش مدیرکل آژانس انرژی اتمی در نشست شورای حکام، نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در وین، یادداشت توضیحی درباره گزارش مدیرکل آژانس به شورای حکام منتشر کرد. در بخشی از این یادداشت آمده است: «ایران تأکید می‌کند که شرایط موجود بین ایران و آژانس ناشی از حملات نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای کشور است و تعلیق فعالیت‌های راستی‌آزمایی و خروج بازرسان، تصمیم خود آژانس بوده است.» ضمن اینکه «ایران با حسن نیت خود دسترسی بازرسان به تأسیسات آسیب‌دیده را فراهم کرده و فعالیت‌های راستی‌آزمایی از سر گرفته شده است. اما آژانس در انجام وظایف اساسنامه‌ای خود در قبال مؤسسات آسیب‌دیده کوتاهی کرده است.»

در این یادداشت با تأکید بر وضعیت جنگی نسبت به تأسیسات هسته‌ای ایران آمده است: «موافقت‌نامه پادمان جامع به‌طور صریح پوشش‌دهنده شرایط جنگی نیست و اجرای فعالیت‌های پادمانی در شرایط جنگی نیازمند اقدامات ویژه، بررسی خسارات و تأیید شورای عالی امنیت ملی ایران است» و ایران با اشاره به نقش آژانس تأکید دارد که «فشارهای سیاسی و



رئیس جمهوری به ولیعهد عربستان که توسط رئیس جدید سازمان حج و زیارت کشورمان تسلیم شده است، صرفاً محتوای دو جانبه داشته و حاوی قدردانی جمهوری اسلامی ایران از عربستان به خاطر خدمات ارائه‌شده به حاج ایرانی در جریان مراسم حج سال گذشته و اهمیت استمرار همکاری‌ها و هماهنگی‌ها برای برگزاری موفق مراسم حج امسال بوده است.»

می‌کند یا اینکه این یک برنامه کاملاً بومی است، افزود: «در واقع بومی است. اما در عین حال ممکن است از نظر مکانیسم، دستگا‌ها یا هر چیز دیگری که نیاز داریم، با دیگران همکاری کنیم. اما اساساً این برنامه از نظر تولید سوخت و از نظر تولید موشک، بومی است.» علاوه بر رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز به رویکرد آمریکا درباره مذاکره اشاره کرد و گفت: «مذاکره با طرفی که قائل به دوسویه بودن امر مذاکره نبوده، به عمل خلاف خود در تجاوز نظامی علیه ایران و کشتار فرزندان ایران می‌باشد می‌کند و به وضوح به دنبال دیکته‌کردن خواسته‌های خود است، توجیه منطقی ندارد.»

سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در مورد پیام ارسالی از سوی رئیس جمهوری کشورمان به ولیعهد عربستان و ارتباط آن با سفر ولیعهد سعودی به آمریکا گفت: «پیام



و بازاربابی مسیرهای مشترک میراثی استفاده کنند که اگر درست انجام‌شود، گردشگری می‌تواند چابهار فرهنگی باشد؛ یک کریدور مردمی که آنچه را ژئوپلیتیک به تنهایی نمی‌تواند، تقویت کند. این گردشگری تجسم دستور زبان جدید دیپلماسی خواهد بود؛ جایی که مسافران، نه فقط فرستادگان تجاری، بلکه حامل حسن نیت دو جانبه‌اند. با توجه به چالش‌های مشترک دو کشور در تصویرسازی بین‌المللی و نیاز به تنوع اقتصادی، این پل فرهنگی یک موقعیت برد-برد کم‌نظیر است.

از غزل‌های حافظ که هنوز در درگاه‌های دهلی طنین‌انداز است تا نسخه‌های سانسوریت نگهداری شده در کتابخانه‌های قم، داستان ایران و هند داستان غنای متقابل است. اکنون با فرصت گردشگری و بندر چابهار، ممکن است این داستان، دنباله‌ای مدرن بیابد؛ نه در قالب معاهدات، بلکه در قالب برنامه‌های سفر.